

روزنامه

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۴ دی ۱۴۰۱ - ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴
سال بیست‌و‌چهارم - شماره ۶۶۷۴ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

سر مقاله

به نام زن و علیه زن



محمدجواد اخوان

مدیرمسئول

بیش نیست، اما نمی‌توان انکار کرد انتخاب «زن» به عنوان سوژه اصلی آشوب از سوی هدایتگران اصلی آن کاملاً معنادار و هوشمندانه بود.

هر چند تاریخ ۴۴ ساله انقلاب اسلامی فراز و فرود بسیار داشته و کم‌نازami و اغتشاش‌نا دیده‌ایم، اما وجه تمایز برجسته اغتشاشات اخیر آن بود که می‌توان آن را بی‌پرده و بی‌نقاب‌ترین عنادورزی با جمهوری اسلامی دانست و عوامل و عناصر آن بی هیچ تعارف و ابایی به مقدسات و هنجارهای جامعه مسلمان ایرانی هجوم آوردند. هر چند در دفعات گذشته در پشت ادعاهایی چون تقلب در انتخابات یا مطالبات معیشتی مردم پنهان شدند، اما این بار از همان ابتدا مستقیماً به ارزش‌های دینی حمله کردند. هر چند مهم‌ترین مسئله عموم مردم مطالبات اقتصادی و معیشتی بود، اما چندان شعاری از این دست در آشوب‌ها شنیده نشد و حتی حامیان بیرونی آشوب نیز به این موضوعات چندان نپرداختند. در واقع می‌توان گفت آشوب‌های اخیر صحنه هموارطلبی گفتمان غرب خدایان‌پرور در برابر همه ارزش‌ها و هنجارهای توحیدی در ایران اسلامی بود. به تعبیر دیگر منازعه دو جهان‌بینی مادی و معنوی در این آوردگانه قابل مشاهده بود.

اینکه «زن» به‌عنوان نماد این منازعه گفتمانی برگزیده شد نیز به همین ماهیت مرتبط بود. در واقع در طول چهار سده گذشته یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تقابل جهان‌بینی توحیدی و بر خاسته از تعالیم انبیا با جهان‌بینی مادی غرب مدرن را در موضوع زن می‌توان مشاهده کرد. هر چند آموزه‌های توحیدی زن را به‌عنوان سرچشمه پاک‌ی و طهارت نسل و محور اصلی انسان‌سازی برای تکامل معنوی بشر معرفی کرده‌اند، غرب مدرن زن را به نام «آزادی» به استثمار اقتصادی و اجتماعی کشانده است. در «انقلاب صنعتی» سده هجدهم، زن را به «تیروی انسانی ارزان صنعت» و در «انقلاب جنسی» قرن بیستم زن غربی را «بزار هوسرانی مردان» قرار دادند. نتیجه این تحول قهرایی در نگرش به زن در غرب، فروپاشی بنیان مهم خانواده و ترزاید فوق تصور ناپاکی نسل‌های آتی است؛ چنان‌که در بسیاری از کشورهای شمال اروپا، شمار نوزادان نامشروع (بر اساس همان تعاریف غربی) از سایر نوزادان پیشی گرفته است. این بدان معناست که فتنه اصلی غرب مدرن در واقع علیه طهارت زن و طهارت نسل‌های بشر است.

در مقالای این خداوند حرمت و سزوهای برای «مادر» به‌عنوان محلل امتداد و تربیت نسل انسانی قائل است و در واقع «زن» نمادی از آینده بشر است. طهارت او سبب پاک‌ی نسل‌های آتی است و متأسفانه اگر جز این باشد، آثار مآ تاخر آن تا نسل‌های آتی امتداد می‌یابد. اینکه خداوند در آیه ۴۰ سوره احزاب می‌فرماید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلَكِنِّ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِیِّیْنَ» (محمد ص) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است) و در عین حال در سوره کوثر از اعطای کوثر به پیامبر (ص) خبر می‌دهد، خود نکته‌های بسیار دارد. در واقع این خبر خیریه نامی پیامبر از حضرت فاطمه زهرا (س) است که ۱۱ امام در میان فرزندان آن حضرت هستند. اینکه نسل آخرین پیامبر از طریق یک زن امتداد یافته نشان از اهمیت جایگاه زن در نظام خلقت و سنت‌های الهی دارد.

همین جاست که راز طمع نظام سلطه بر زن مسلمان ایرانی آشکار می‌شود. جهان‌بینی هوس‌باز غربی به دنبال تعریفی کاملاً مادی و ناپاک از زن است و به زور پروپاگاندا و تهاجم شناختی می‌خواهد همین تعریف خود را به سایر مردمان دنیا نیز تحمیل کند. فضای مجازی، رسانه و صنایع فرهنگی، اسنادی چون ۲۰۳۰ و غیره ابزارهایی هستند که غرب از طریق آنان به دنبال این تحمیل‌گری بسوده و اینک نیز می‌خواست در کف خیابان همین معنا را دنبال کند. اما این پروژه که به نام زن و در واقع برای نابودی زن بود، نتوانست زنان مسلمان ایرانی را با خود همراه سازد. زنان ایرانی با هر سلیقه فکری و سیاسی، و حتی با تفاوت در نوع سبک زندگی، اولاً به اهمیت «عفاف» و آقاقتند و ثانیاً ماهیت بغرنج‌زن غربی، خصوصاً در حوزه اخلاقی در پیش چشمشان قرار داد. هر اندازه هم زرق و برق پیشرفت‌های مادی غرب فریبنده باشد، دیگر نمی‌تواند بر لجنزار اخلاقی که ساخته و زن و مرد و نسل‌های آتی را فریانی آن کرده، سرپوش بگذارد.

رهبر معظم انقلاب در دیدار مداحان با توصیف چرایی شکست دشمن در آشوب اخیر فرمودند که باید در میدان بنامیم و عامل حفظ ملت، امید و وحدت ملی است

نقشه قشنگ و غلط دشمن!

دو تعبیر رهبر معظم انقلاب در دیدار مداحان، یکی برای نقشه دشمن و دیگری برای یک بیت شعر، بسیار به هم نزدیک شد! نقشه دشمن، جامع اما محاسبات و خیال‌های آنان غلط بود. آن بیت شعر معروف صائب نیز، صورتی قشنگ و مضمون و باطنی غلط دارد. گویی نقشه دشمن نیز همین‌گونه بود؛ قشنگ اما غلط! تا آنجا که رهبر معظم انقلاب می‌گویند در دل به نقشه دشمن، آفرین گفتند اما نقشه نگرفت، چون محاسبات آنان و خیال‌هایی که در سر داشتند، همگی غلط بود!
صفحه ۲

پیام «برپایی» از میدان امیرچخماق به براندازان

در استقبال از رئیسی در فضای مجازی دست به دست می‌چرخد و همه پیام آن را درمی‌یابند. نه اینکه همه آن مردم، از همه چیز راضی هستند یا انتقادی ندارند، اما اگی همراه با آشوب «زن»، زندگی، آزادی» بودند، اگر دروغ‌های آن سورا باور کرده بودند و اگر فکر می‌کردند کار جمهوری اسلامی تمام است و این رئیس‌جمهور هم فقط باید برود و کاری با او ندارند، طبعاً برای استقبال از رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به خیابان‌ها نمی‌آمدند

تضمین صدسال آینده با انتقال آب خلیج فارس به کویر ایران

پروژه عظیم انتقال آب خلیج‌فارس به استان‌های یزد و کرمان که ۴۸‌ماه زمان می‌برد و صداهمیلیون متر مکعب آب تأمین می‌کند

می‌تواند تا صدسال آینده چالش کمی‌آبی این مناطق را برطرف کند | صفحه ۶



راست‌چین‌جمهوری

یادداشت

غلط‌بودن مضمون شعر صائب چه پیامی برای مداحان دارد؟

مداحی‌برای «گیاه‌دانه‌های عشق» و برای «طبقه‌نخبگان» چگونه باید باشد؟ وقتی رهبر انقلاب یک بیت شعر «قشنگ اما غلط» را برای مداحان می‌خواند، چه پیامی برای آنان دارد؟
خب این بیت شعر یکی مداحان کمترآشنا از برخی اشعاری که برای مداحی انتخاب می‌کنید، فقط دنبال قشنگ‌بودن آن (که گاهی با ایجاد شور و دنبال‌گذاری در ذهن و دیده‌شدن بیشتر همخوان است) نباشید، اما یک نکته مهم‌تر در این سخن هست که در توضیح آن باید گفت گاهی شعر مداحی هزارجا به کار می‌پرد، از محافل شعراری تا مباحثات و مجادلات و مقالات ادبی و اظهارلحیجه‌های دوستانه، اما وقتی پای اثرگذاری هست از آن باشد، باید پرهیز کرد. برخی از اشعار شاعران ما همین‌گونه است؛ به کار تربیت‌جویان و نوجوان نمی‌د، هر چند در میان گروهی که از کجی و غلطی آن ابیات ممنون‌اند، بسیار رایج است. همچنان‌که رهبر انقلاب نیز شعر معروف صائب را در دو مناسبت به‌دو شکل به کار بردند.

ایشان سال گذشته وقتی به خاطر کرونا جلسه سنتی ماه رمضان با شاعران، بدون حضورایشان برگزار شد، در پاسخ به اظهار دلنتگی شاعران در پیامی نوشتند: «و کاستن جلسه شیرین و با صفای همیشگی به یک دیدار دورادور تصویر، نگاه مشتاق را از آرام نمی‌کنند، هیچ، کام انسان است که حقیر از آن دیدار شورانگیز محروم باشم. می‌توان با نگاه شاعرانه آن جزو حوادث را ناز دستگاه حکمت‌الهی شرد و بر احسان نیازو اظهار نیاز افزود، و به قول صائب: نسازد لن‌ترنی، چون کلیم، از طور مایوسم، نمک‌پرورد عشقم، زبان ناز می‌دانم.»

پس با همسان‌ظرافتی که رهبری میان «نگاه است، همچنان‌که تا کنید می‌کنند» با نگاه شاعرانه، اما از همین بیت صائب در دیدار امسال برای تذکر به مداحان بهره مضاعف می‌برند، زیرا این همه گزاره‌های متفاوت و بعضاً متناقض واجب می‌کند که ناهم‌سازیکوت کنند و گرنه در یک قضیه ساده که با یک همراهی و فکر درست به سلامت از آن عبور می‌کنند، درجا خواهیم زد. حال فضای مجازی و رسانه‌های رسمی بر است از اظهار نظرهای تحقیرآمیز درباره مسئله گاز و توهین و تمسخر خیرساز، و خالی کردن دل مردم، نادان‌ها مشغول کارند و اختلاف‌ها زیاد می‌شود. آن گروه مخاطب رهبری بر خود واجب‌بلانند که سکوت را مطلق حدیث مولا علی (ص) بدهند. البته حضرت در یک قضیه ساده که با یک آنچه نمی‌دانیم، نیست، بلکه حضرت در سخنان دیگری هم می‌فرمایند: «آنچه را نمی‌دانی نگو، بل همه آنچه را که می‌دانی هم نگو که همین برای دروغ‌گو بودن تو کافی است.» منتظران و تربیون‌داران حتی از اینکه درباره تخصص خود چار و هم و خیال کامل‌بودن و بی‌نقص‌بودن باشند، باید مراقبه کنند؛ به‌ویژه در مسئله دقیق و بسیار اختلاف‌آلکن فرهنگ.

سریدبیر

یادداشت

چگونه زبان وحدت‌شکنان را باید بست؟!

■ غلامرضا صادقیان | سردبیر
آنان که «حُدت» را در میان مردم از بین می‌برند، چه کسانی هستند؟ پاسخ این پرسش در طول سال‌ها مدامولاً فرآکننی و مغالطه‌داده‌شده است؛ زیرا هیچ‌کس نمی‌خواهد صدق‌آن باشد. اما متأسفانه بیشتر فعالیت‌های سیاسی همین‌طور بوده است؛ یعنی وحدت‌شکن و ناهمدکننده‌از بین رفتن وحدت، به‌دنبال خود از بین رفتن امیدارها دارد. برای همین رهبر انقلاب در سخن خود با مداحان، وحدت و امیدار کنار هم آوردند: «آن چیزی که ملت را نگه می‌دارد، امید است و وحدت» و هشدار دادند که «به اختلافات کمک نکنیم. اختلافات قومی، اختلافات مذهبی، تحریک احساسات یک گروهی علیه یک گروه دیگر، هر کس در زمینه‌خنده به اتحادملت حرکتی انجام‌دهد برای دشمن کار کرده، در نقشه دشمن کار کرده، در زمین دشمن بازی کرده. این را همه توجه داشته باشند. منبری باشد، مداح باشد، روحانی باشد، دانشگاهی باشد، نویسنده باشد، شاعر باشد، هر که باشد.»

وقتی رهبری معظم در سخنان خود از منبری و روحانی و مداح و دانشگاهی نام می‌برند و هشدار می‌دهند که سخنان وحدت‌شکن نگوید، یعنی این وحدت‌شکنی، صدق‌فراوان و هشداردهنده داشته است، و گرنه نیازی به توضیح نبود. اما کسی که با جعاعت نام‌برده شده‌اشنا باشد، می‌داند که بسیار بعید است هر یک از آنان خود را اصدق این سخن بدانند!

پیشنهادی برای فعالان سیاسی و فرهنگی و همکاران رسانه‌ای در ساکت کردن وحدت‌شکنان دارم که همراه با گله‌گزاری است. ما شیعه مولا علی علیه‌السلام هستیم که در دو سخن متعالی فراتر از آذنان معمول بشری می‌فرمایند: «اگر جاهل سکوت کند، اختلاف از میان برخیزد» و «اگر کسی که علم ندارد، ساکت باشد، اختلافات از بین می‌رود.»

برخلاف این توصیه‌ها در نظام اداری و اجرایی ما کافی است اتفاقی بیفتد، ناگهان ده‌هاتفز از دولت و مجلس و منبری و دانشگاهی درباره آن اظهارنظر می‌کنند. بیشتر آنان خود از آن که چیزی از واقعیت‌مطلب بدانند و اطلاعات خود را کامل کنند و قدرت تحلیل داشته باشند، وارد معرکه می‌شوند. این واقعیت‌ها و اطلاعات معمولاً از طرف نهاد اصلی خبرساز، پنهان نگه داشته می‌شود که گاهی موجه است. در دولت، سخنگو داریم و در قوای دیگر نیز، اما قیل از سخنگویان، بسیاری از افراد حتی از داخل همان قوا در همان موضوع، سخن برآکنی می‌کنند و کار را به سخنگو واگذار نمی‌کنند. بسیاری از این سخنان ناشی از ضعف شخصیت افراد است که دائم دوست دارند در صدر اخبار باشند و دیده شوند. شگفتی یک روزنامه‌نگار آنجاست که یک یک مقام رسمی از اینکه مدتی است در رسانه‌ها با زرتاب داده نشده به خبرنگاران رسانه‌ها گله می‌کند!

و شگفتی ویران‌کننده‌تر آن که برخی از همین افراد، سخنی نمی‌گویند و انتظار دارند خبرنگاران به نام آنان تولید محتوا کنند!

یک مثال روشن می‌زنم. در همین قضیه کمبود گاز در سخت‌ترین زمستان دهه‌های اخیر، بسیاری از افراد کاملاً

مداحی‌برای «گیاه‌دانه‌های عشق» و برای

«طبقه‌نخبگان» چگونه باید باشد؟ وقتی رهبر انقلاب یک بیت شعر «قشنگ اما غلط» را برای مداحان می‌خواند، چه پیامی برای آنان دارد؟
خب این بیت شعر یکی مداحان کمترآشنا از برخی اشعاری که برای مداحی انتخاب می‌کنید، فقط دنبال قشنگ‌بودن آن (که گاهی با ایجاد شور و دنبال‌گذاری در ذهن و دیده‌شدن بیشتر همخوان است) نباشید، اما یک نکته مهم‌تر در این سخن هست که در توضیح آن باید گفت گاهی شعر مداحی هزارجا به کار می‌پرد، از محافل شعراری تا مباحثات و مجادلات و مقالات ادبی و اظهارلحیجه‌های دوستانه، اما وقتی پای اثرگذاری هست از آن باشد، باید پرهیز کرد. برخی از اشعار شاعران ما همین‌گونه است؛ به کار تربیت‌جویان و نوجوان نمی‌د، هر چند در میان گروهی که از کجی و غلطی آن ابیات ممنون‌اند، بسیار رایج است. همچنان‌که رهبر انقلاب نیز شعر معروف صائب را در دو مناسبت به‌دو شکل به کار بردند.

ایشان سال گذشته وقتی به خاطر کرونا جلسه سنتی ماه رمضان با شاعران، بدون حضورایشان برگزار شد، در پاسخ به اظهار دلنتگی شاعران در پیامی نوشتند: «و کاستن جلسه شیرین و با صفای همیشگی به یک دیدار دورادور تصویر، نگاه مشتاق را از آرام نمی‌کنند، هیچ، کام انسان است که حقیر از آن دیدار شورانگیز محروم باشم. می‌توان با نگاه شاعرانه آن جزو حوادث را ناز دستگاه حکمت‌الهی شرد و بر احسان نیازو اظهار نیاز افزود، و به قول صائب: نسازد لن‌ترنی، چون کلیم، از طور مایوسم، نمک‌پرورد عشقم، زبان ناز می‌دانم.»

پس با همسان‌ظرافتی که رهبری میان «نگاه است، همچنان‌که تا کنید می‌کنند» با نگاه شاعرانه، اما از همین بیت صائب در دیدار امسال برای تذکر به مداحان بهره مضاعف می‌برند، زیرا این همه گزاره‌های متفاوت و بعضاً متناقض واجب می‌کند که ناهم‌سازیکوت کنند و گرنه در یک قضیه ساده که با یک همراهی و فکر درست به سلامت از آن عبور می‌کنند، درجا خواهیم زد. حال فضای مجازی و رسانه‌های رسمی بر است از اظهار نظرهای تحقیرآمیز درباره مسئله گاز و توهین و تمسخر خیرساز، و خالی کردن دل مردم، نادان‌ها مشغول کارند و اختلاف‌ها زیاد می‌شود. آن گروه مخاطب رهبری بر خود واجب‌بلانند که سکوت را مطلق حدیث مولا علی (ص) بدهند. البته حضرت در یک قضیه ساده که با یک آنچه نمی‌دانیم، نیست، بلکه حضرت در سخنان دیگری هم می‌فرمایند: «آنچه را نمی‌دانی نگو، بل همه آنچه را که می‌دانی هم نگو که همین برای دروغ‌گو بودن تو کافی است.» منتظران و تربیون‌داران حتی از اینکه درباره تخصص خود چار و هم و خیال کامل‌بودن و بی‌نقص‌بودن باشند، باید مراقبه کنند؛ به‌ویژه در مسئله دقیق و بسیار اختلاف‌آلکن فرهنگ.

۴

یخبندان بی‌سابقه

در ۲۷ استان

چاره‌کار صرفه‌جویی در گاز است

۳

مدیرعامل مترو تهران در گفت‌وگو با «جوان»:

واگن ملی را

وارد خط مترو می‌کنیم



ویژه‌نامه «جوان» به مناسبت روز زن

۱۴ ویژه

آنها

«بچه‌های مشارکت» نبودند جن جن بودند!

حسین مرعشی تحت فشار «دوستان مشارکت» مجبور شد یکی از روشن‌ترین و صریح‌ترین بخش‌های گفت‌وگوی اخیر خود را اصلاح کند و برای آن اطلاعیه بدهد. علاوه بر این، بخش‌های منتشرشده سخنان او نیز به کلی تغییر داده شد و به جای «مشارکت»، «دوستان اکثریت مجلس ششم» آورد شده و تغییراتی دیگر، گویا آن عده که «مرتب» پیش او می‌رفتند تا هاشمی را وسوسه یا این‌باری را با آقای هاشمی اصلاح‌طلبان حزب مشارکت نبودند، بلکه جن بودند! او گفته بود: «دوستان حزب مشارکت و متحدانشان مرتب از شما بیابید. من می‌گفتم بچه‌ها! این‌باری را با آقای هاشمی نکنید. شما که نمی‌خواهید از آقای هاشمی حمایت کنید، شما می‌خواهید که با بودن آقای هاشمی کاندیدایان تأیید صلاحیت شود. شما دارید هاشمی را برای خودتان هزینه می‌کنید.» مرعشی حسیلا در اطلاعیه‌ای گفته: «مطلب گفته شده از سوی اینجانب مبنی بر اینکه "دوستان حزب مشارکت با مرحوم هاشمی ملاقات و تقاضای کاندیداتوری ایشان را برای انتخابات سال ۸۴ کرده بودند." با بررسی سوابق، اشتباهی بیان شده است، که بدین وسیله اصلاح می‌گردد.»

در کانال‌هایی که سخنان قبلی مرعشی منتشر شده بود، نیز آن سخنان، ناپاورانه تغییر داده شده است تا هاشمی از حزب مشارکت و فعالان آن روی مرحوم هاشمی مطلع سلیقه‌های متعالی هنری نبینند. استفاده می‌آوردند، نباشد. به این شکل: «دوستان اکثریت مجلس ششم از آقای هادی خامنه‌ای که حالا با پهنزاد و بقیه بچه‌ها متفاوت هم بود، به سن می‌گفتند که مرعشی! نکته هاشمی بیابند! هیچ‌کس غیر از هاشمی حریف فلائی نیست!»

این تغییرات را البته به‌عنوان رسوایی می‌توان پذیرفت، نه به عنوان صداقت! درواقع مرعشی با این تغییرات آن سخنان صریح و روشن خود را که خطاب به «بچه‌ها!» می‌گفته که «بچه‌ها [حزب مشارکت] شما دنبال منافع خودتان هستید»، انکار می‌کند. گویی آنها بچه‌ها نبودند که جن بودند و نداشت ناگهان از میانه کارزار بریزند بیرون و رفتند.

روزنامه جوان پنج‌شنبه ۲۵دی‌ماه بعد از انتشار سخنان مرعشی در یادداشتی نوشته بود «بعید است اصلاح‌طلبان این توهین مرعشی را بی‌پاسخ بگذارند.» توهینی که خلاف همه مانیفست‌های اصلاح‌طلبی است و آن همه ادعای صدق و صداقت و سلامت در کار سیاسی را زیر سؤال می‌برد.

حالا نمونه‌ای دیگر از بی‌صداقتی مرعشی و حزب و دسته‌اش روشن می‌شود. بله! آنها بچه‌ها نبودند، جن بودند. شما هم رفتید «سوابق» را بررسی کردید و دیدید که بچه‌ها کلاً بچه‌های خوبی بودند و برای مطامع و منافع سیاسی خود با مرحوم هاشمی بازی نمی‌کردند! حالا که آن قدر اهل بررسی سوابق هستید، چه خوب است که کمی هم مواضع انقلابی مرحوم هاشمی در طول سه دهه گذشته را بررسی کنید. ما هم بررسی کنید تا در یادداشت‌های پسینی خود با عنوان مشترک «اگر هاشمی الان بود» صداقت را دربار او رعایت کنید.